

معرفی کتاب

سیک شناسی
از محمد تقی بهار (ملك الشعراء)
ناشر: کتابهای پرستو.



اخیراً «سیک شناسی» تألیف مشهور
ملك الشعراء بهار در سه جلد به قطع
جیبی تجدید چاپ شده است.

کتاب امروز

اولین شماره مجله کتاب امروز
در همراه گذشته منتشر شد. این مجله
که از طرف شرکت سهامی کتابهای
جیبی منتشر می‌شود حاوی گفتاری است
چند در زمینه تألیف و ترجمه و نشر.

اولین مطلب این شماره مصاحبه‌ای
است که اداره کنندگان مجله - جهانگیر
افکاری، کریم امامی، نجف دریابندری،
دکتر حسن مرندی و ابوالحسن نجفی
با محمد قاضی، مترجم کن کیشوت،
کرده‌اند و در حقیقت ادای دینی است
به یکی از با ذوق‌ترین و پرکارترین
مترجمان امروز ایران.

جالبترین مطلب این شماره،
مقاله‌ای است از سارتر دربارهٔ رمان
خشم و هیاهو به نام «زمان در نظر فاکتر»
که ابوالحسن نجفی ترجمه کرده و
مقدمه‌ای بر آن افزوده است. مقاله
جالب دیگر این شماره نقد ضیاء، موحد
است بر کتاب «صورخیال در شعر فارسی»
نوشتهٔ شفیعی کدکنی.

کاوومی، بسیار قاطع است... گاهی
کین نفوذ من غیر مستقیم از طریق قسطنطنیه،
تسیسل غربی، و حتی اسپانیا تا شمال
رقوهای آلپ دیده می‌شود» و باز
می‌گوید:

«مغرب زمین پیش از هر چیز
پارچه‌های شرقی را کشف کرد. ابریشم‌های
گرا انهایی که هارون الرشید به عنوان
هدیه برای شارلمانی فرستاد و آنهایی که
در کشورهای اسکاندا نیاوی، فرانسه،
انگلستان و در آرامگاه‌های قدیسان مسیحی
از آغاز قرن نهم دیده می‌شود، نمونه‌هایی
از رواج مضامین آرایشی شرق است -
جانوران افسانه‌ای سرستون‌های رومی،
گل‌های انار، مخمل‌های توسکان و ونیز
دورهٔ رنسانس، از جمله اشکال زینتی‌اند
که سرچشمهٔ اولیهٔ آنها ایران بوده است.»
سراسر مجله سرشار از رنگ‌ها و
طرح‌های زیباست: نقش پارچه‌ها،
مینیا تورها، کاشیکاری‌های مساجد،
ظروف زرین ایران باستان و زیورهای
دوره‌های گوناگون و نیز تزئینات
سرپرده‌های سران کشورهای در تخت جمشید.
این شمارهٔ مجلهٔ L'Œil در حقیقت
فهرست مجملی است از شگفتیهای ایران.

مباحث مربوط به «سبک‌شناسی» را چهار نخستین بار در سال ۱۳۱۰ ضمن سلسله سخنرانی‌هایی به بیان کشید. و از همان تاریخ بود که موضوع «سبک‌شناسی» بر زبان دانشجویان و دانش‌پژوهان افتاد. اما چهار درحقیقت طرح این کتاب را (به صورتیکه اکنون هست) به سال ۱۳۱۲ در اصفهان (وقتیکه تبعید بود) نوشت. و از سال بعد در تهران در ساعات تدریس دانش‌آموزی عالی مباحثی چند از آن را در ذیل عنوان «تاریخ تطور و تحول نظم و نثر فارسی» تکرار کرد. لیکن به طبع و نشر آن در سال ۱۳۱۸ شمس‌توفیق یافت.

مجلد اول شامل زبانهای باستانی و به‌ویژه زبانها و خطوط ایرانی و بحث درباره آثار فرهنگی این آب و خاک، اعم از کتب و رسالات و سکهها و سنگنبشته‌هاست. و نیز شامل مباحثی مشع راجع به لهجه‌های مختلف زبان فارسی در دوره‌های نخستین و تأثیر زبانهای فارسی و تازی در یکدیگر و نیز نحوه تبدیل لغات قدیم به لغات فارسی دری.

مجلد دوم را چهار از بحث درباره قدیمترین آثار نثر فارسی آغاز می‌کند و سپس در طی گفتارهای مختلف اعم از معرفی کتب منثور دوره‌های سامانیان، غزنویان، سلجوقیان و نیز کتب متصوفین و شرح حال نویسندگان مختلف آن ادوار و نیز تحقیقی نه چندان جامع راجع به مبداء تصوف، به نثر فنی قرن ششم می‌رسد. و پس از بحث درباره مختصات این نثر آخرین گفتار کتاب را به مقامه‌نویسی و نویسندگان بزرگ مقامه‌نویس اختصاص می‌دهد و با اشاره به فتنه غزان و مرگ سنجر سلجوقی، همراه با تبعی در زبان عرب و قرآن، مجلد دوم را به پایان می‌برد.

مجلد سوم را ملک‌الشعراء از فتنه مغول آغاز می‌کند و ضمن بحث درباره تفاوت شیوه نثر این قرن با قرون قبل

و مختصات آن، از دخول لغات مغولی در نظم و نثر و تأثیر فتنه مغول در ادبیات سخن می‌گوید. و گفتارهای بعد را به بحث پیرامون شیوه‌های نثر نویسی در قرون هشتم تا سیزدهم و علل انحطاط نثر فارسی در این ادوار اختصاص می‌دهد. آنگاه ضمن اشاره به تأثیر تشیع در ایران به مبحث «رستاخیز ادبی» می‌رسد. و در آخر با اشاراتی به تاریخ روزنامه در ایران، ایجاد دارالفنون و رواج ترجمه، و انقلاب مشروطیت، کتاب را به پایان می‌رساند.

و اما «سبک‌شناسی» آنچنان که منظور چهار بوده، صرفاً شامل مباحثی است که در مجلدات دوم و سوم مورد بحث قرار گرفته است و درحقیقت طبع و نشر مجلد اول را فقط برای آمادگی دانشجویان و دانش‌پژوهان باید دانست تا بتوانند از مباحث مجلدات دوم و سوم بهتر بهره‌گیرند. و بیش از آشنایی به تمام جوانب و مختصات نثر فارسی بعد از اسلام، بدو از ریشه‌ها و اصول و سیر تحول و تطور زبانهای پیش از اسلام به زبان دری آگاهی‌یابند. بنابراین چنین به نظر می‌رسد که ملک‌الشعراء ضمن تدوین مباحث سبک‌شناسی ناگزیر از این شده که این مجلد را نیز بر آن دو مجلد بیفزاید. به خصوص که در آن دوران هنوز در ایران کرسی خاص تدریس زبانها و خطوط پیش از اسلام وجود نداشته و این در واقع اولین کتاب درسی بوده که در این زمینه طبع و نشر یافته است.

بنابراین اگر بتوان ارزشی نسبی برای این مجلد قائل بود، صرفاً از همین روست. و الا بعدها متخصصین زبانهای باستانی، از بسیاری جهات به مباحث این مجلد ایراد گرفتند و به ویژه شیوه تقسیم‌بندی زبانهای مختلف را چنانکه چهار به کار بسته بود مردود شمردند. و به همین لحاظ است که اگر

یکروز این مجلد صرفاً اختصاص به دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی داشته، در سالهای اخیر، حتی مورد استفاده دانشجویان دانشکده ادبیات هم نیست. درست برعکس مجلدات دوم و سوم، که همچنان بی‌هیچ کاستی و افزونی در دانشگاههای ایران تدریس می‌شود. و این خود نشان‌دهنده اینست که بعد از سی چهل سال، هنوز هم در جهت تکمیل این نوع تحقیقات (به غیر از مستثنیات تحقیقات استادان طراز اول) گامی از طرف سایرین برداشته نشده است. بنابراین «سبک‌شناسی» مورد نظر چهار را می‌توان و باید در مجلدات دوم و سوم دنبال کرد، یعنی یکدوره تاریخ تطور نثر فارسی از قدیمترین ایام تا زمان مشروطیت. و چون به قول مؤلف «سبک به معنی عام خود عبارتست از تحقق ادبی یکنوع ادراک در جهان که خصائص اصلی محصول خویش (اثر منظوم و منثور) را مشخص می‌سازد» و نیز چون «سبک‌شناسی» مورد نظر او رابطه‌ی نزدیک با تاریخ ادبیات دارد، الحق جز این شاعر و ادیب خراسانی، که از کودکی تا مرگ چه از نظر حسی و چه از لحاظ تجربی، ارتباطی ناگسستی با این زبان داشته و از موهبت احساس و ادراک جزئیات زبان فارسی و کیفیات و مختصات آثار منظوم و منثور این آب و خاک به نحو کامل برخوردار بوده، هیچکس صلاحیت و اهلیت به عهده گرفتن چنین مهمی را نمی‌توانست داشته باشد.

محمد حقوقی



تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران
از مرگ تیمور تا مرگ شاه عباس
تألیف ابوالقاسم طاهری
شرکت سهامی کتابهای جیبی - تهران

«در این کتاب مهمترین رویداد های دوست و سی ساله تاریخ ایران، از مرگ تیمور به سال ۸۰۷ ه. ق. تا مرگ شاه عباس بزرگ در ۱۰۳۸ ه. ق. مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد».

کتاب شامل پیش گفتار، سال شمار، سر آغاز، دوازده فصل، پسین گفتار، پنج پیوست، کتابنامه و فهرست راهنماست و در پایان هر فصل «منابع و توضیحات» همان فصل آمده است.

در چهارصد و اندی صفحه کتاب، جا به جا نتیجه گیری های سیاسی و اجتماعی ارائه شده است

که دقیق و موşkافانه است و در این مختصر به اهم آنها برای نمونه، اشاره می شود:

میان سلسله های ساسانی و صفوی از چند جهت شباهت هایی هست: هر دو با رستاخیز افسانه وار سر سلسله هایی بنیان گذاری شدند که افسانه اردشیر را در کارنامه اردشیر بابکان می خوانیم و افسانه - مانند شاه اسماعیل را در تاریخ های مختلف می جوئیم. هر دو رستاخیز جنبه دنیایی و دینی را توأم داشتند و مذهب با سلطنت در آن دو سلسله نزدیک بود و هر يك آئینی خاص را گسترش دادند، یکی کیش زرتشتی را و دیگری مذهب شیعه را؛ هر دو از دین برای ایجاد وحدت ملی و حفظ حدود و ثغور ایران سود بردند و هر دو مخصوصاً از غرب و شرق نگران بودند و جنگ های هتوالی در این دو جنبه می کردند؛ هر دو ملوک الطوائفی و عدم مرکزیت را از میان بردند و تمرکزی سخت پدید آوردند، هر دو سلسله، هم از عدالت و شجاعت بهره داشتند و هم از فساد و خویش کشی و دسته بندی و تن پروری. مرزهای ایران در این دو دوران تقریباً یکی بود و نهادهای اجتماعی و سیاسی و طبقاتی ایران تا حدودی همان بود: اشرافیت متکی بر زمین داری بزرگ، آئین اساس نهاد اجتماعی ایران بود، بازرگانی رونق داشت و ایران همچنان معبر میان شرق و غرب بود و این

امردر زمانی بالنسبه دراز، مخصوصاً طبقه مرفه را مال دارتر می کرد و در نتیجه معابد و ساختمان های اشرافی در جوار خانه های ساده و گلین قد بر افراشت و علائق مذهبی همراه با تجمل اشرافیت موجب پیشرفت چشمگیر فن معماری، تزیین بناها، نقاشی و سایر هنرها شد. عالمان دین در هر دو دوره مقام اجتماعی و سیاسی رفیعی یافتند و رفته رفته از نظر طبقاتی جزو زمین داران بزرگ گردیدند و با آنکه در دومی درویشی نیز شعار رایجی بود، اما «زاهدی زراندوز» همچون شاه طهماسب به وجود آمد که، نه در زهد یا عسرت، بلکه در مال اندوزی همچون خسرو پرویز بود. در مقابل، اکثریت مردم ایران را زارعانی تشکیل می دادند که بار مالیات و بیگاری بردوشان بود. هنرمندان و نویسندگان و دانشوران مقامی داشتند بین طبقه اکثریت و اقلیت مرفه جامعه. . . اینها همه بود، اما يك شباهت دیگر نیز بود: هر دو سلسله سعی بر این داشتند که آنچه مربوط به سلسله پیش از آنهاست نابود نکنند و یا به دست فراموشی سپارند. از کارهایی که ساسانیان در این زمینه در حق اشکانیان کردند باخبریم. صفویه نیز همین کار را درباره ترکمانان آق قویونلو که دودمان بایندی را پی افکنده، کردند. به همین سبب نویسنده کتاب در تنظیم فصلهای

سوم، چهارم و پنجم با دشواری بسیار مواجه شده است ولی با استفاده از تحقیقات مینورسکی و مراجعه به کتابخانه های ترکیه و خزانه اسناد ملی و نیز کتابخانه ملی هلند، پرتوهای تازه ای بر یک دوره کوتاه ولی مهم تاریخ ایران افکنده است.

نویسنده، روش تاریخ نویسی را در «سراغاز» کتاب تشریح کرده است. وی مردود شمردن شیوه تاریخ نگاری پیشین ایرانیان را روشنفکر نمایی و خامی دانسته است و در عین حال به این نکته توجه داشته است که حکایت مثنوی رجز خوانی یا داستان خونریزی و سفاکی و کشور گشایی نیز تحلیل تاریخی نیست. تاریخ های گذشته ایرانیان را با همه نقص ها برای تحقیق امروز سودمند جسته ولی بدانها همچون مایه کار به منظور تحلیل تاریخی نگریسته است. و سرانجام اندرز داده است که پژوهندگان و تاریخ نویسان ایرانی دور از هر گونه غرور و تعصب و بدون صوابدید صاحب نظران بیگانه، تاریخ کشور و ملت ایران را با استفاده از موازین و روش های نوین علمی بنویسند.

در فصل اول کتاب یکی از عوامل تقویت کننده تصوف به نیکی بیان شده است: نا ایمنی سیاسی و اجتماعی مردم، به ویژه شاعران و روشنفکران، لشکر کشی ها و کشتارها، هرج و مرج اجتماعی، خودسریهای

امیران، دست درازی به مال مردم و ستمگری بر ضعیفان و در نتیجه رکود اقتصادی (و به طور عمده رکود کشاورزی که پایه اقتصاد در گذشته بوده است) و بروز قحطی و بیماری های واگیر، برهم خوردن بازار داد و ستد و غیره در ذهن حساس شاعر ایرانی اثری ژرف می نهاد و با استعارات صوفیانه راز گشای دردهای ملت می شد و تصوف را مرهم دل های پریش می دانست و این حال حتی شاعر خوش بینی چون حافظ را نست کم در غزل های بین سال ۷۸۸ و سال مرگش یعنی ۷۹۲ به تلخ کامی می کشاند:

سینه مالامال درداست، ای درینا مرهمی دل ز تنهایی به جان آمد، خدا را همدی در واقع تباهی محیط و سختی معیشت و افزایش ناامیعات در عین ضعف و ناتوانی مردم در به وجود آوردن کوششی برای بهبود وضع موجود، در دورانیهای متوالی صاحب نظران و اهل دل را به گوشه گیری و پشت پازدن به دنیا و جستن حق نه در میان خلق و زندگانی روزمره، که در طریقت باطنی و ذهنی می کشاند و این دانسته یا ندانسته نوعی مبارزه منفی و یا انتقامی بود که روشندان زمانه از ستمگران و بانیان فقر و فشار می ستانند که به دنیا چسبیده بودند و ناحقی می کردند و تخم نفرت می پاشیدند. پس می بایست مردم را از دنیای آنها دور کرد و هفت

شهر عشق را گردید و حق را در باطن یافت و انا الحق گفت.

برعکس در دوره های رونق اقتصادی و اجتماعی، اگر چه از این رونق طبقه خاصی بیشتر سود می برد، زیبایی های جهان به چشم سر و دل دیده می شد و هنرهای زیبا رونق می گرفت.

بحث مهم دیگر را نویسنده در فصل پنجم پیش کشیده است و آن اصلاح مقررات مربوط به مالیات ها و زمین داری در دوران بنیاد گذاری سلسله بایندی یعنی حسن پادشاه است. پیش از او مالیات بندی بفرنج و مالیات ها متنوع و زیاد بود و مردم به فراخور وضع اجتماعی و اقتصادی خویش مشمول پرداخت چندین گونه مالیات بودند. مثلاً در حالی که زمین دار مشمول مالیات ارضی بود، اگر در زمین خود تاکستان برپا می کرد برای تاکستان نیز مالیات جداگانه می پرداخت و اگر از طریق کشاورزی و دامداری هم درآمدهایی داشت هر قلم از آن درآمدها مشمول مالیات جداگانه می شد. و اما بازرگانان یا استاد کارانی که در بازار دکان داشتند علاوه بر مالیات حرفه، به مقتضای محل داد و ستد و وضع کار خود ملزم به پرداخت مبلغی بودند که بازرسان مالیاتی معین می کردند. حتی روسپیان به نسبت سن و زیبایی مشمول تعرفه مالیاتی ویژه ای بودند. به علاوه مالیات خرید، طبق تعرفه

دیگری بر همه کالاهایی که شخص در بازار می‌خرد تعلق می‌گرفت. چمن‌بها مالیات یا عوارضی بود که گله‌دار برای رها کردن دامهای خویش در مرغزارها یا اراضی عام می‌پرداخت، و همین گله‌دار اگر از مرغزار علف می‌کند و یا همیشه کرد می‌آورد به پرداخت مبلغی علف‌بها یا همیشه‌بها نیز ملزم بود. برزرگران نوروز را با پرداخت شیلان‌بها (مالیات عید) و سلامانه استقبال می‌کردند و برای زمین و دام و آب و چرا و کشت و درو و آرد کردن گندم و بردن آن به بازار و فروش مالیات می‌دادند. . . .

چنین بود میراث عهد تیموری و کلافسر در گم مالیاتها (ص ۱۱۴).

از این توصیف پیداست که همه مردم از چنین مقرراتی رنج می‌بردند ولی طبقات مالدار و مرفه، مانند زمین‌داران، بازرگانان، صاحبان کارگاههای پیشه و هنر و دامداران و کشتکارانی که کمابیش صاحب آب و زمین بودند به نسبت توسعه کار و حرفه خود بیشتر در عذاب بودند.

پس اصلاحی که حسن بایندری می‌خواست در مالیات‌ها به عمل آورد، بیش از قاطبه مردم، طبقات مالدار را راضی می‌ساخت. وی ابتدا در صدد لغو کلیه مالیاتهایی که بر سرمایه‌ودارایی تعلق می‌گرفت برآمد. اما با مخالفت شدید امرای خویش - که با نفوذ بودند و کسر مالیات‌ها را برای تقویت قشون

مضر می‌دانستند - مواجه شد. پس در صدد برآمد که راهی میان تمایل مالداران و امرای قشون بیابد: اساس جمع‌آوری مالیات بر سرمایه و درآمد را یک بریست کرد یعنی از هر بیست درهم سرمایه تنها یک درهم مشمول مالیات شد و در نتیجه مالیات‌کشور به نصف کاهش یافت. با همه این احوال هنوز مالیات‌ها فراوان و گوناگون و پرداخت آنها دشوار بود. این دشواری همراه با تقلیل درآمد مالیاتی و ثابت ماندن هزینه نگهداری ارتشی مرکب از سواران دایمی موضوع تازه‌ای را مطرح ساخت و آن نوعی اصلاحات ارضی بود که در دوران پادشاهی یعقوب شروع شد اما در اثر مخالفت شدید سیورغال‌داران با شکست روبرو گردید. هدف آن بود که برای ایجاد نظم تازه‌ای در زمین‌داری و جمع‌آوری مالیات‌هایی که عده‌ای از امیران و سرکردگان ارتش به‌عیل خود از مردم می‌گرفتند و به خزانه عمومی نمی‌دادند، سیستم اقطاع و سیورغال‌داری از میان برود و مالکیت ارضی بر پایه جدیدی استوار گردد تا از مالکان تازه طبق تعرفه تازه، مالیات‌های جدیدی بتوان گرفت و کسری مالیات‌های ناشی از اصلاحات دوران حسن پادشاه را جبران کرد (ص ۱۱۵ - ۱۱۷).

سلجوقیان و خوارزمشاهیان به بعد تقویت شده بود و در دوران تیموری به اوج قدرت رسیده بود تا چه میزان با اندک اصلاحاتی که اساس فتوالمیسم را هم سست نمی‌کرد مخالف بود، و این بدان سبب بود که شیوه اقطاع و سیورغال بهترین اراضی زراعتی ایران را به دست سرداران لشکر سپرده بود که از زارعان و دامپروران همه‌گونه مالیات و بیگاری می‌گرفتند تا هزینه سپاهیان خود را تأمین کنند. این قشر منتفذ با مقامی که در سپاه داشت مانع هرگونه اصلاحی در شیوه زمین‌داری بود.

و اما آنچه در این کتاب «اصلاحات ارضی» (ص ۱۱۵) و «تضمین عدالت بی‌سابقه برای توده رنجبران ایران» (ص ۱۱۶) نامیده شده است تاحدی اغراق آمیز است. نوعی فکر اصلاحات محدود ارضی در میان بود که نمی‌خواست فتوالمیسم را از میان بردارد بلکه در نظر داشت که آنرا تجدید سازمان کند. و در صورت اجرای موفقیت آمیز آن، اکثریت مردم ایران بسیار کمتر از زمین‌داران تازه سود می‌بردند. اینک به فصل نهم کتاب و مالیات‌های عهد شاه طهماسب مراجعه کنیم: در این عهد از محصولات کشاورزی و مهمترین آن یعنی گندم و جو به میزان یک ششم خرم‌ن مالیات گرفته می‌شد. عوارض چراگاهها و کشتزارها و تاکستانها

نیز زیاد بود و از خانه‌های مسکونی پنج درصد مال الاجاره عوارض شهری اخذ می‌گردید. عوارض چهارپایان هم زیاد بود و از هر گله‌داری برای هر چهل رأس گوسفند پانزده بیستی (بیست دیناری) گرفته می‌شد و عوارضی که به هر رأس گاو ماده تعلق می‌گرفت سالیانه ده بیستی بود، اما به چهارپایان نرینه عوارض یا مالیاتی تعلق نمی‌گرفت (ص ۲۲۲).

نتیجه آن بود که از شش راه (ص ۲۲۳) عوارض و مالیات‌های سنگین به خزانه سرازیر می‌شد. از نظر اقتصادی و اجتماعی قرن‌ها به همین منوال گذشته بود اما در این دوره شور شدید مذهبی توأم با غرور و وحدت ملی تألمات دنیایی را تا حدی خنثی می‌کرد، به ویژه در زمان سلطنت شاه‌عباس که دوران اوج رونق اقتصاد و هنر بود.

با آنکه شاه‌عباس درآمدهای فراوان داشت، هنگام مرگ در مقایسه با جدش - شاه طهماسب - «تهی‌دست» بود. در اواخر عمر عواید شاه‌عباس از مستغلات شخصی و املاک سلطنتی به پول آن زمان صد هزار تومان بود که تمام این مبلغ را وقف چهارده معصوم کرد. یک قلم عمده درآمد شاه هدایای سالیانه امرا و حکام بود که بعضی اوقات به رقم سرسام‌آوری می‌رسید. بعضی از امرای شاه و مخصوصاً امامقلی‌خان با تجمل بسیار زندگی

می‌کردند. شاه‌عباس علاوه بر درآمدهای حاصل از مستغلات و املاک مزروعی و پیش‌کشا، خود سررشته مهم‌ترین رشته‌های بازرگانی زمان را به دست داشت. بنابر نوشته توماس هربرت عواید شاه از محل فروش ابریشم خام و عوارض پنبه و منسوجات پنبه‌ای بالغ بر ۳۵۷۰۰۰ تومان و برابر با یک میلیون و صد و نود هزار لیره استرلینگ بوده است.

با این حال علاقه شاه‌عباس به ساختمان‌های مذهبی و عام‌المنفعه که هزینه بسیار داشت قسمت زیادی از این درآمدهای سرشار را از کفش بیرون می‌راند. و اینک آنچه از او باقی مانده و مایه نیکنامی اوست همین است نه درهم و دینارهای فراوان.

کتاب، از نظر فصل‌بندی، شروع و پرورش هریخت و نتیجه‌گیری و به دست دادن منابع، استادانه است و اگر هم جایی نتیجه‌گیری روشنی نشده، سیر حوادث طوری است که خواننده خود درسا از تاریخ تواند گرفت.

به علاوه، بسیاری توصیف‌های تاریخی با ارزش در کتاب هست که در اینجا چند نمونه از آن نقل می‌شود:

در صفحه ۷۰ وضع قشون در زمان ترکمانان آق‌قویونلو به دقت تشریح شده است. در همین صفحه و صفحه‌های بعد، از پوشش زنان،

جمعیت شهر سلطانیه، وضع شیراز و اصفهان و مخصوصاً یزد و شیوه دادوستد در بازاریش تا حد ممکن توصیف به عمل آمده است. در صفحه ۹۳ به اصفهان در زمان آق‌قویونلوها می‌رویم که تازه از زیر بار تاراجها و خرابی‌ها سر بلند می‌کند اما هنوز نیمه ویرانه است و از پنجاه هزار جمعیت پیشین تعداد کمی در آن باقی مانده‌اند؛ همان اصفهانی که از دوره شاه‌عباس به راه رونق و پیشرفت افتاد و در صفحه ۳۲۰ کتاب هم توصیف آن آمده است: «اقل» یک روز تمام طول می‌کشد تا مسافری سواره دور تا دور شهر را ببیند. در صفحه‌های ۱۶۷ و ۱۶۸ وصف تبریز و بعضی دیگر از شهرهای آذربایجان در دوران شاه‌طهماسب آمده است.

توصیف ظاهری و باطنی شاهان نیز اندک نیست: شاه اسماعیل (ص ۱۴۶) و تن‌پوش سپاهانش (ص ۱۵۶)، شاه طهماسب (ص ۱۸۲) به بعد و تمام فصل نهم، شاه عباس (ص ۲۹۱) و دیگران.

از بعضی عاداتها و رسوم نیز یاد شده است: اعتیاد به خوردن شیرۀ کونکار (ص ۳۲۸)، تعداد روسببیاں اصفهان که به قولی در حدود دوازده هزار نفر بودند که هر سال مبلغ هشت هزار تومان مالیات می‌دادند، و روسببیاں سایر شهرهایی که در مسیر حرکت لشکریان بودند و صورت خود را نمی‌پوشیدند، و اینکه

روبنده بر روی انداختن و چادر به سر کردن که از دوران پادشاهی شاه طهماسب رواج گرفته بود در عهد شاه عباس تشویق شد. قبلاً و از جمله در زمان آق قویونلوها زنان شهر نشین بیشتر پیچه به کار می بردند (ص ۷۰) و باید گفت که این تغییرات در پوشش زنان به روستاها کمتر راه می یافت و زنان خواهران شهری خویش در چادر و پیچه و روبنده محبوس نبوده اند. و سرانجام باید از فصل ششم کتاب ذکر کرد که در آن از امامیان و صوفیان و سرخ کلاهان سخن رفته و اصول عقاید شیعه تا حد لازم تشریح شده است.

شیوه نگارش کتاب نیز بسیار روان و یکدست است با این حال اگر چند نکته - اگرچه اندک - نبود، خواننده با تاریخی روبرو می شد که یک سند ادبی کامل هم به شمار می رفت. اگر این نکته ها در نوشته دیگری بود البته جای بحثی نمی گذاشت که خار دریابان فراوان است و کسی راهم به شگفتی نمی اندازد از جمله ترکیب های « عواید حاصله » (ص ۳۳۲) و « ضربات روحی وارده » (ص ۳۰۲) و یا رسم دوران اخیر در شیوه جمله بندی که فعل را اسیر «مورد» می کنند و افسوس که این شیوه چنان همه گیر شده است که در نوشته های بزرگان ادب نیز وارد

شده است: «در این کتاب مهم ترین رویداد... مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرند»، به جای: «در این کتاب مهم ترین رویدادها تجزیه و تحلیل می شوند».

حاصله و وارده و مورد فلان عمل قراردادن از نامه های اداری و ادبیات روزنامه ای بیشتر بهره دارد و هر روز درج کنید می خوانیم که: «طبق اخبار وارده فلان شخصیت فلان جا را مورد بازدید قرارداد».

دیگر طول و عرض زمان است که این نیز به نوشته های بزرگان ادب هم سرایت کرده از جمله در کتاب دل نشین مورد بحث: «در عرض یکصد سالی که از نخستین ایلغار تیمور برخوردارم... تا انقراض سلسله سیاه گوسفندان... طول کشید» (ص ۱۴۰)، که اگر «عرض» را از این عبارت برداریم سلیس تر می شود، همچنین «طول» را در نوشته های کسانی که به طول زمان بیش از عرض آن علاقه دارند. چنانکه گفتم این موارد اندک اند و کتاب بسیار دلچسب و خواندنی و سودبردی است و برای تنظیم آن زحمت بسیار کشیده شده است.

ع . ق